

شخصیت زن در رمان‌های امیرحسین چهلتن و علی بدر

یدالله احمدی ملایری^۱، استادیار زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران
مجتبی عمرانی پور، استادیار زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران
سمیه ثامن، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران

چکیده

شخصیت از سازمایه‌های بنیادین رمان است که در پیوند با دیگر سازمایه‌ها داستان را پیش می‌برد. شخصیت زن با دغدغه‌ها، مشکلات، جنبه‌های جسمی و روحی‌اش در نگاشته‌های رمان‌نویسان مورد توجه بوده و در دوره‌های زمانی مختلف و با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشوری سیمای متفاوتی از زنان ترسیم شده است. امیرحسین چهلتن، نویسنده ایرانی، و علی بدر، رمان‌نویس عراقی، نیز در آثارشان تصویری از زنان جامعه خویش به دست داده‌اند. این مقاله می‌کوشد بر پایه اصول مکاتب امریکایی و اسلاوی ادبیات همسنگ (تطبیقی) به مقایسه شخصیت زن در رمان‌های دو نویسنده بپردازد و همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آن و چرایی آنها را بنماید. خدمتکاران، کنشگرهای سیاسی - اجتماعی، دانش‌آموخته‌ها، و قربانیان برجسته‌ترین شخصیت‌های زن در رمان‌های هر دو نویسنده‌اند. از رهگذر پژوهش هویدا شد همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی در زمینه پیوند خدمتکاران با اربابان، دانش‌آموختگی و شغل، میزان کنشگری‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد که برخاسته از شرایط اجتماعی و سیاسی مشابه در دو کشور ایران و عراق است.

کلیدواژه‌ها: امیرحسین چهلتن، علی بدر، شخصیت زن، رمان ایران، رمان عراق

پیشگفتار

شخصیت از سازمایه‌های مهم رمان است. «شخصیت رمان، درست مثل شخصیت نمایش، می‌تواند نقش‌های گوناگونی را در جهان خیالی ساخته دست رمان‌نویس ایفا کند. می‌تواند جابه‌جا هم عنصری تزئینی باشد، هم فاعل حادثه، هم ترجمان خالقش، هم موجودی انسانی و خیالی که به شیوه خود زندگی می‌کند، احساس می‌کند، دیگران و جهان را درک می‌کند» (برونوف ۷۸). شخصیت، چنان‌که باختین درباره رمان‌های داستانی‌فلسفی می‌گوید، «دیدگاهی ویژه درباره جهان و خود شخصیت است؛ از آن رو که ایستاری اندیشگی و ترازوی انسان برای سنجش خود و جهان پیرامون خود است» (باختین ۶۷). از راه‌های شناخت شخصیت هم کردار و گفتار اوست. «شخصیت، در یک اثر نمایشی یا روایی، فردی است دارای ویژگی‌های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی‌ها از طریق آنچه انجام می‌دهد (رفتار) و آنچه می‌گوید (گفتار) نمود می‌یابد» (مستور ۳۳).

چون به پیشینه ادبیات ایرانی - اسلامی می‌نگریم شاهکارهایی چون هزارویک شب و شاهنامه را می‌بینیم که جایگاهی درخور به نقش و جایگاه زن داده‌اند. در هزارویک شب، شهرزاد در بازی مرگ و زندگی با شهریار، خودکامه زن‌گش، با جنگ‌افزار داستان‌گویی، جان خود و تبار زن را از کام مرگ می‌رهاند؛ در شاهنامه زنانی چون فرانک و سیندخت و گردآفرید را می‌بینیم و گفتمانی که «آیین و فر» را فراتر از گفتمان «ماده و نر» می‌نشانند و در برابر باور «به‌اختر کسی دان که دخترش نیست»، درفش «چو فرزند باشد به آیین و فر/ گرامی بدل بر چه ماده چه نر» (فردوسی ۶۷) را می‌افزاید، چنان که کاوه درفش آزادی را در برابر خودکامگی و جوان‌کشی ضحاک (همان ۴۵-۴۶)؛ گرچه، به باور برخی، زنان در ادبیات سنتی ایرانی جایگاه درخوری نداشته‌اند (میلانی ۴۰۵؛ به نقل از: زنجانی‌زاده و باغدار دلگشا، ۱۳۹۲: ۹۴)، چه روی هم‌رفته ادبیات جهانی رویکردی سراپا مردسالارانه داشته است (زینسر، به نقل از: زنجانی‌زاده و باغدار دلگشا، ۱۳۹۲: ۹۴) و تنها از پایان روزگار قاجار و آغاز مشروطه در ایران و همزمان با آن «جنبش نوزایی» در سرزمین‌های عربی است که رویکرد به زن، در نتیجه برخورد با تمدن باخترزمین، آرام‌آرام به راه دگرگونی می‌افتد (حمیدی و عاملی رضایی ۴۷؛ کوک ۶۲۸). به ویژه با سرنگونی حکومت قاجار فصلی نو در جنبش زنان ایران

آغاز شد و با پیروی از دیدگاه‌های نوگرایانه باخترزمینی، درفش حقوق زنان برافراشته شد (زاهد و خواجه نوری ۱۱۱). این فراگشت نو در موقعیت زنان در جامعه بر ادبیات هم تأثیر گذاشت. در کشورهای عربی نیز زیر تأثیر جنبش فمینیسم غربی تحولاتی رخ داد. تا پایان سده نوزدهم، در ادبیات عربی نگرش مردسالارانه فرادست بود اما آغاز نوزایش عربی در این روزگار، تأثیر فراوانی بر آگاهی زنان و سپس جنبش حقوق زن داشت. دیدگاه‌های اندیشمندان این نوزایش، همچون رفاعه طهطاوی و سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، قاسم امین، عبدالرحمن کواکبی، اثری فراوان بر این جنبش داشت (عیال ۱۰۱؛ عبدالجلیل ۲۶۸). طبیعی بود آنچه در جامعه ایران و سرزمین‌های عربی رخ داد در ادبیات و هنر بازتابد.

آثار امیرحسین چهلتن (زاده ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶م)، نویسنده ایرانی، و علی بدر (زاده ۱۹۶۴م/۱۳۴۳ش)، رمان‌نویس عراقی، خارخارها، آرزوها و اندیشه‌های شخصیت‌های زن را هنرمندانه در جهانی برساخته بازمی‌نماید. چهلتن از نویسندگان بنام ایرانی است که رمان‌ها و داستان‌های کوتاهش بازنمودی از تاریخ معاصر ایران و به ویژه روزگار قاجار و مشروطه و پهلوی است. علی بدر، نویسنده برجسته عراقی، نیز زندگی طبقه میانه و شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور عراق را به تصویر می‌کشد. این مقاله در پی آن است که به بررسی تطبیقی رمان‌های امیرحسین چهلتن و علی بدر بر پایه دو مکتب اسلاوی و امریکایی پردازد. مکتب نخست - که مکتب ماتریالیسم جدلی هم نامیده می‌شود - بر آن دسته از همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آثار ادبی انگشت می‌نهد که برابند زیرساخت‌های جوامع بشری است (بیطار و محمود ۱۷۹)، چون یکسانی روند دگردیسی اجتماعی - تاریخی در جامعه‌های بشری مایه یکسانی دگردیسی ادبیات می‌شود که یکی از روساخت‌های ایده‌باورانه است (جیرمونسکی ۱۱). مکتب دوم یا همان مکتب نقد ادبی یا امریکایی ادبیات همسنج (تطبیقی) با «دور ریختن برداشت‌های ابزاری حقیقت‌گریز و امانده از سده نوزدهم میلادی و پذیرش نقد درست» (ویلیک ۲۷۳) پژوهش همسنج را رهیافتی برای چشیدن لذت متن می‌داند (السید ۲۸). کاربرد این رویکرد در پژوهش‌های همسنج، «نقش بسزایی در نهادینه ساختن گفت‌وگویی تکرین‌یاد دارد. بی‌گمان شناخت همسانی‌ها و ناهمسانی‌های من و دیگری نقشی گوه‌رین در پاسخ

به پرسشِ سترگ و ناگزیرِ هویت و به رسمیت شناختنِ دیگری‌ای دارد که از رهگذر پیوندش هویت من هویدا می‌شود» (ملایری ۸). به گفتهٔ ادونیس، اندیشمند و شاعر برجستهٔ سوری، «اگر شناخت من در گرو گونه‌ای گسست از خود باشد شناخت دیگری نیازمند پیوند یعنی همدردی ژرف با اوست» (ادونیس ۵). چنین شناختی مایه و پایهٔ گفت‌وگو و همزیستی آشتی‌آمیز میان انسان‌هاست و پژوهش همسنج راهی به آن سو.

برای این پژوهش، سه رمان *تالار آئینه* (۱۳۶۹)، *تهران شهر بی آسمان* (۱۳۸۰) و *سپیده‌دم ایرانی* (۱۳۸۴) چهلتن و رمان‌های *بابا سارتر* (۲۰۰۱)، *حارس التبغ* (۲۰۰۸) و *آسانته الوهم* (۲۰۱۱) علی بدر برگزیده شد. رمان‌های چهلتن بازنمودی از سرگذشت ایران در سال‌های ۱۹۰۱-۱۹۷۹ است و رمان‌های بدر برساختی از جامعهٔ عراق در ۱۹۲۰-۲۰۰۶. هر دو کشور در این گسترهٔ زمانی با رویدادهایی سیاسی چون جنبش‌ها، انقلاب‌ها، کودتاها، جنگ‌ها و درگیری‌های خانگی دست به گریبان بوده‌اند و نیز با گرفتاری‌هایی اجتماعی مانند بی‌سوادی، تهیدستی و شکاف طبقاتی.

این پژوهش در پی بررسی شخصیت‌های زن و نمودن همسانی و ناهمسانی‌های این شخصیت‌ها در رمان‌های دو نویسنده و پاسخ به چرایی و چگونگی بازتاب این همسانی‌ها و ناهمسانی‌هاست. برای این کار پژوهشگران به آمایش و دسته‌بندی شخصیت‌های زن در رمان‌های یادشده پرداخته‌اند.

دسته‌بندی شخصیت‌های زن در رمان‌های چهلتن و بدر

در این پژوهش، شخصیت‌های زن رمان‌های دو نویسنده در چهار دستهٔ خدمتکاران، کنشگران سیاسی - اجتماعی، دانش‌آموخته و قربانی نهاده و بررسی شدند.

۱. خدمتکاران

پیش از پرداختن به این بخش باید گفت خدمتکاران، به گونه‌ای که خواهیم دید، قربانی وضع اقتصادی و اجتماعی و به ویژه شکاف طبقاتی‌اند و از همین رو می‌شد آنها را با زنان قربانی یک‌جا بررسید ولی نمود پررنگشان در رمان‌های چهلتن و بدر پژوهندگان را به این جداسازی کشاند.

کلفت یا زن خدمتکار - و برابر آن: الخادمة در عربی - یعنی دختر یا زنی که در برابر دریافت مزد کارهای مربوط به خانه‌داری را برای کسی انجام می‌دهد (صدری افشار و دیگران ۱۰۲۸؛ عمید ۱۶۴۶؛ انوری ۹۰۷). در طبقه‌بندی جامعه‌شناسان، خدمتکاران در طبقه رنجبر جامعه جای می‌گیرند. رنجبران «طبقه‌ای هستند که ابزار کارشان در اختیار و زیر سیطره‌شان نیست و برای دیگران تولید می‌کنند، نه برای خود؛ کارشان نیز دستی و برای دستمزد است» (برکات ۲۱۶). خدمتکاران در «پایین‌ترین جایگاه هرم طبقاتی جای می‌گیرند و در حاشیه طبقات رنجبر و خیلی وقت‌ها چونان گروه‌هایی بیرون از نقشه تقسیم‌بندی اجتماعی کار نگریسته و در زندگی نادیده گرفته می‌شوند، چنان‌که پژوهشگران هم نادیده می‌انگارندشان. از همین رو اطلاعات چندانی در دسترس ما نیست که بتواند دستمایه توصیف وضع و رنجشان باشد» (همان ۲۲۰). اهمیت بررسی شخصیت خدمتکاران در رمان از این نادیده‌انگاری برمی‌خیزد، به ویژه که، به گفته حلیم برکات، جامعه‌شناس و رمان‌نویس برجسته سوری، «هرچند پژوهش‌های جامعه‌شناسی به قشر خدمتکار چندان توجه نکرده است، برخی داستان‌ها بیشتر به این قشر پرداخته‌اند» (همان ۲۲۰). در رمان‌های دو نویسنده حضور شخصیت‌های خدمتکار چشمگیر است.

در رمان‌های چهلتن، دده، آمنه، اختر، روشنی و سنبل باجی و در رمان‌های علی بدر، رجینا، جرمین، فوزیه کلفت و خدمتکارند. در روزگار قاجار، یکی از کارهای غیرتولیدی پاره‌ای از زنان خدمتکاری با نام‌هایی چون دده، گیس سفید و دایه نزد خانواده‌های دارا بود (دلریش ۶۱). شخصیت دده در رمان *تالار آئینه* پیرزن سیه‌چرده‌ای است که از کودکی کلفت خانواده میرزا می‌شود. او کارهای خانه، دایگی دختران و پرستاری دلسوزانه و مادروار از شاه‌زمان را انجام می‌دهد. گرچه، انس و مهری دوسویه میان دده و اعضای خانواده هست: «دده سیاه، شانه شاه‌زمان را بوسید و گفت: ای خانومی، زیارتم بردی، سیاحتم بردی، از خدا دیگر هیچ چیز نمی‌خواهم جز این‌که از این رختخواب بلند شوی» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۸۵). گاه نقش دده چنان پررنگ می‌شود که چونان یکی از اعضای خانواده نظر می‌دهد و خویشتن را پاسخگو می‌داند. زمانی که مهر اعظم، دخترخوانده میرزا، فردای شب عروسی، به خانه پناه می‌آورد، میرزا، از بیم

رسوایی، خشمناک به او می‌تازد ولی با پادرمیانی دده پس می‌نشیند: «دده سیاه جلو آمد و گامی مانده به میرزا نهیب زد: صاحب این دخترها منم! عاقبت آنها را می‌کشی. گویی بر قلب میرزا قطره‌ای سرب داغ چکاید. سر فرو انداخت و مهر اعظم را رها کرد» (همان ۲۵۴). پس از مرگ شاه‌زمان، دده پشتیبان دخترهاست. میرزا دده پیر را محترم می‌شمارد و در نبود شاه‌زمان در برابر سفارش‌هایش درباره دختران کرنش می‌کند. این گونه پیوند میان کلفت و خانواده نشان می‌دهد که به کلفت‌ها - به‌ویژه کلفت‌های سالمند - از موضع بالا به پایین نگریسته نمی‌شود.

مشروطه‌خواهان در رمان *تالار آئینه* پنهانی پویه‌هایی چون پخش شبنامه را انجام می‌دهند. کلفت‌های چهلتن نیز در پویه‌های سیاسی یاریگر اعضای خانواده‌اند. برای نمونه، دده به دختران در بردن اعلامیه‌ها کمک می‌کند، بی‌آن‌که از محتوای آنها آگاه باشد. «دده می‌گفت: لااقل نمی‌کنید این شبنامه‌ها را برایم بخوانید» (همان ۱۷۰). آگاهی سیاسی مایه کنشگری دده در سپهر سیاست نیست. او می‌خواهد به دختران ارباب کمک کند.

داستان روشنی در همان رمان داستانی دیگر است. او کنیز خانه نجم‌السحر است و با تجاوزهای ارباب خانه باردار می‌شود. «به خانم بگو من تقصیر نداشتم. من از خوف چشم‌هایم را می‌بستم. نیمه‌های شب می‌آمد. هر شب پیراهن به تنم پاره می‌کرد و شکم را گاز می‌گرفت. زبانه بند می‌آمد. وقتی هم می‌رفت، هول آمدن شب بعدش را داشتم» (همان ۱۴۴). زمانی که نجم‌السحر به ماجرا پی می‌برد، با سنگ به شکم او می‌کوبد. هم بچه و هم مادر می‌میرند و پیکرشان پنهانی در پشت حیاط خانه خاک می‌شود (همان ۱۴۴). هرچند به شرافت خدمتکار دست‌درازی می‌شود، در برابر ارباب خانه توان ایستادگی ندارد. بی‌پناهی چشم اسفندیار کلفت است. در نتیجه همین بی‌کسی است که خونس هم پایمال می‌شود زیرا از «طبقه‌ای است بی‌برگ و ناتوان که برای توانگرتر شدن سرورانی کار می‌کند که برای تهیدست شدنش می‌کوشند، طبقه‌ای که به خاطر پایگاهش آماج تهیدستی و بهره‌کشی و سرکوب‌تنی و روانی می‌شود: قربانی مناسبات بهره‌کشی و قدرت» (برکات ۲۱۶).

خدمتکار بیچاره بهای گزاف فرودستی خود را می‌پردازد و مرد درازدست فرادست هیچ بازخواست نمی‌شود، نه از سوی زن زنگش و نه از سوی قدرت سیاسی و

اجتماعی. نجم‌السحر شوهرش را بازخواست نمی‌کند چون زنان در سایه مردسالاری حق نداشتند به همسرانشان برای ارتباط با زنی دیگر خرده بگیرند. چنین درون‌مایه‌ای را در رمان‌های علی بدر هم می‌بینیم. رجینا زنی هوسباز است و ارتباطش به سعدون، خدمتکار مرد خانه، فرو نمی‌گاهد. با ارباب و پسرش هم رابطه دارد (بدر، ۲۰۰۹: ۱۷۱). ولی همسر ارباب رفتاری معترضانه ندارد. گویا زن پذیرفته است که مردش با هر زن دیگری در آمیزد. ولی ناهمسانی این درون‌مایه با رمان‌های چهلتن آن است که کلفت‌های رمان‌های علی بدر از روی هم ریختن و آمیختن با اربابان خویش ایستار منفی ندارند. رجینا، وارونه روشنی در *تالار آئینه*، نه به زور، که خودخواسته با دیگران می‌آمیزد. این مسئله می‌تواند ریشه در تاریخ اجتماعی تازیان داشته باشد چرا که ارتباط جنسی با کنیزانی که در جنگ‌ها گرفتار یا از بازار خریده می‌شدند روا بوده است (علی ۵۷۱)، هرچند کلفت‌های رمان‌های علی بدر در جنگ یا بازار بردگان فراچنگ نیامده‌اند، عرف جامعه - گرچه پنهان - ناروایی ارتباط خداوند خانه یا دیگران با کلفت را کمرنگ یا بی‌رنگ ساخته است.

نمونه دیگر فوزیه در رمان *حارس التبغ است*. فوزیه دختر نوجوان روستایی و خدمتکار نادیه است که بار کارهای خانه و پرستاری از او در دوران بیماری را بر دوش دارد (بدر، ۲۰۰۹ الف: ۳۱۲). برخوردار کمال و فوزیه فراتر از چارچوب رابطه ارباب و خدمتکار است. «همه می‌دانستند که پنهانی روی هم ریخته‌اند. همه می‌دانستند، حتی نادیه که در بستر مرگ بود» (همان ۳۱۳). آگاهی دیگران از رابطه این دو گویای پذیرش است. این رابطه در پایان و پس از مرگ نادیه به ازدواج کمال و فوزیه می‌انجامد. در رمان‌های چهلتن خبری از ازدواج با کلفت‌ها نیست. این امر از ناهمسانی‌های دو رمان‌نویس در زمینه پرداخت شخصیت‌های زن شمرده می‌شود.

سیمون دوبوار در بررسی جایگاه تاریخی زن شرقی، ضمن بر شمردن این نکته که «زن پارسی بیش از اغلب زن‌های شرقی محترم شمرده می‌شود» (دوبوار ۱۴۲)، درباره کشورهای عربی می‌نویسد: «ساختار این سرزمین‌ها فئودالی است، یعنی دولتی به اندازه کافی قوی در آنها پیدا نشده که قبیله‌های مختلف را متحد و مطیع کند: هیچ قدرتی، به اقتدار پدرسالاری لطمه وارد نمی‌آورد. مذهب اعراب دوران جنگاوری و فتح تحقیر

کامل را متوجه زن می‌کرد...» (همان ۱۴۰). نوال السعداوی، رمان‌نویس و زن‌پژوه برجسته مصری، در مقاله‌ای درباره قانون ازدواج در مصر در روزگار معاصر به این نتیجه می‌رسد: «مالکیت مرد بر زن تفاوت چندانی با مالکیت ارباب بر برده ندارد. مرد زن را با صداق می‌خرد. در بندهای نخست عقد ازدواج نیز آمده است که زن دارای مرد است و باید فرمانبری بی‌چون‌وچرا داشته باشد و بی‌مزد خدمت‌خانه شوهر کند. اگر هم نافرمانی یا گلایه کند یا بیمار شود یا ناتوان، مرد با حق بی‌چون‌وچرایش در طلاق می‌فروشدش» (السعداوی ۱۱۸). در سایه چنین واقعیت‌هایی شاید بتوان به چرایی سکوت زنان در برابر رابطه شوهرانشان با کلفت‌ها در آثار دو نویسنده راه یافت، همچنان‌که جایگاه تاریخی زن ایرانی و به‌ویژه احترام به زنان سالخورده می‌تواند چرایی نکوداشت برخی کلفت‌ها همچون دده در رمان *تالار آئینه* را تفسیر کند.

۲. زنان کنشگر اجتماعی - سیاسی

زنان چون مردان عامل مهمی برای تأثیرگذاری در جامعه شمرده می‌شوند. مشارکت زن در امور سیاسی و اداره امور جامعه مدنی از شاخص‌های پیشرفت جامعه و مردم‌سالاری نظام حاکم بر دولت است. (العزازی ۲۹) ولی بر «مبنای عرف رایج از قدیم‌الایام - نه فقط در ایران و نه فقط در کشورهای اسلامی، بلکه در تمام جهان - معمولاً سیاست را عرصه فعالیت مردان دانسته‌اند و زنان را در دایره محدود یک سلسله بایدها و نبایدها که مبانی آن نیز چندان روشن نیست، قرار داده‌اند» (کدیور ۱۶۰). از همین رو، زنان در طول تاریخ حضور کم‌رنگ‌تری نسبت به مردان در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. اهمیت پرسمان کنشگری زنان در سپهر اجتماع و سیاست آن‌گاه دوچندان می‌شود که با اندیشمندانی همداستان شویم که موضوع زن را، از بنیاد، موضوعی انسانی - اجتماعی می‌دانند که از موضوع مرد جدا نیست و بخشی گوه‌رین در پرسمان هستی اجتماعی انسان در یک واقعیت تاریخی مشخص است. از این چشم‌انداز، پرداختن به چالش‌های اجتماعی و به‌ویژه چالش زن از نظرگاه دین و اخلاق، زوایای گوناگون موضوع را از هم می‌گسلد و در فضای مه‌آلود برداشت‌های ایدئولوژیک و سودجویانه از متون دینی گم می‌کندش (ابوزید ۸۵ و ۸۷). پس هرگونه

دور ننگه داشتن زن از نقش‌آفرینی اجتماعی - سیاسی دور ننگه داشتن همه جامعه از سپهر سیاست و گشودن دست نیروهایی است که سیاست را بی مشارکت مردم می‌خواهند؛ چه در «جوامع توسعه‌نیافته و سرکوفته، آماج ستم و بهره‌کشی انسان است؛ خواه زن، خواه مرد؛ چه خُرد، چه کلان؛ رنج زن در سایه مناسبات اجتماعی و اقتصادی فرادست در این جوامع بیش از رنج مرد است ولی تفاوت بهره رنج نباید نگاه به این گزاره را سرشکن و از گوهر و سرشت تهی گرداند و آن را به صورت پیکار زن و مرد در آورد، به جای نبردی مشترک در برابر بهره‌کشی و ستمی که مرد و زن نمی‌شناسد و گریبان هر دو را می‌گیرد» (منیف ۱۵۴).

از روزگار مشروطه، زنان ایرانی رفته‌رفته پا به گوید سیاست نهادند و نقش‌آفرینی کردند. در این روزگار، برای نخستین بار، شاهد حضور زنان در قالبی رسمی و تا اندازه‌ای شبه‌صنفا در پویه‌های اجتماعی ایران هستیم (زنجان‌زاده و باغدار دلگشا، ۱۳۹۴: ۶۲). در رمان *تالار آئینه*، که نمایی از کنشگری زنان در این روزگار است، حضور زنان از دیگر رمان‌های چهلتن چشمگیرتر است. در رمان *سپیده دم ایرانی*، زندگی ایرج، از فعالان حزب توده، روایت می‌شود که ناچار از ایران می‌گریزد. در *تهران شهر بی آسمان* هم زندگی کرامت، از اوپاش روزگار پهلوی، به نمایش درمی‌آید. در این دو رمان، برعکس *تالار آئینه*، زنان پویش سیاسی اجتماعی ویژه‌ای ندارند و بیشتر در سوئه خانوادگی پژوهیدنی‌اند. در رمان *حارس التبع علی بدر*، که نمایی از زندگی یوسف سامی صالح، موسیقی‌دان سرشناس عراقی، را ترسیم می‌کند، زنان بیشتری نسبت به دو رمان دیگر بدر حضور دارند. در رمان *أساتنه الوهم* که سرگذشت شاعرانی در سربازی و جبهه‌های جنگ روایت می‌شود، حضور زنان ناچیز است.

در *تالار آئینه*، شاه‌زمان از کنشگری سیاسی دخترانش به پیروی از پدرشان، میرزا، نگران است و از این‌که میرزا خود آنان را برای کنش سیاسی برمی‌انگیزد می‌آشوبد. «شاه‌زمان: دخترها هوایی شده‌اند. مرتب اعلان و شبنامه می‌خوانند. *سیاحتنامه* / *ابراهیم بیگ* و *روزنامه روح‌القدس* می‌خوانند. میرزا: نمی‌توانم دخترها را چشم‌وگوش‌بسته بار بیاورم» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۷۴). هرچند مادر از کنش سیاسی دخترانش نگران است، آنان با دلگرمی پدر رو به پویه‌های سیاسی می‌آورند. توجه دختران به *روزنامه روح‌القدس* از

آن روست که روزنامه‌ای مستقل و غیردولتی در روزگار مشروطه بود که به انتقاد از حکومت می‌پرداخت. (رسول‌آف ۷۲ و ۷۷). خواندن *سیاحتنامه* / *ابراهیم‌بیک* بر آگاهی آنان می‌افزاید زیرا «صرفاً به منظور انتقاد و مخالفت با حکومت استبدادی قاجار و بی‌عدالتی‌ها و بی‌نظمی‌هایی که در آن دوران حکمفرما بود نوشته شده است» (کشاوری ۱۲۷۰). میرزا، پس از تهیه ماشین چاپ، آن را در زیرزمین خانه‌اش پنهان می‌کند و چاپ اعلامیه را به دخترانش ماهرخسار و مهرعظم می‌سپرد. شور و دلاوری و هوشمندی فراوان ماهرخسار برای انجام این کارها در داستان هویدا می‌شود. «ماه رخسار: فکرش را بکن. باید اعلان چاپ کنیم. از صبح تا شب، یک عالم. بعد اعلان‌ها را لای عدل پنه می‌گذاریم و می‌فرستیم شهرهای دور. هیچ کس نباید بفهمد؛ هیچ کس...» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۱۱۹). دختران نه تنها در خانه به یاری پدر می‌شتابند، بلکه در رساندن اعلامیه‌ها به مقصد نیز همکاری می‌کنند. «زن‌ها شبنامه‌ها را از پاچه‌های تنبان در می‌آوردند. دوباره کمر چادرها را می‌بستند و بی‌آن‌که نفس تازه کنند، بیرون می‌آمدند» (همان ۱۷۰).

علی بدر هم به گرایش‌های سیاسی برخی از شخصیت‌های زن در رمان‌هایش می‌پردازد. نازک از زنان پویای *اسانته‌الوهم* است که با راهنمایی معشوقه‌اش، احسان، کمونیست می‌شود. «کسی در خانه خطرناکی این کتاب‌ها و مجلات را در نیافت، مگر زمانی که نازک برای اولین بار به اتهام کمونیسم زندانی شد و داییش کتاب‌هایش را در تنور سوزاند و از زندان که آزاد شد، او را از خانه بیرون کرد... در سن هجده‌سالگی در اورزدی باک کار کرد و مسئول برخی کارگران شد» (بدر، ۲۰۱۱: ۲۰۰). حزب کمونیست عراق بنیادهای نظری خود را از اندیشه مارکسیستی-لنینیستی گرفته است که بر وحدت مبارزه ملی طبقه کارگر انگشت می‌نهد. این حزب فراقومی است (الطائی ۱۰۶-۹۵). تفاوت مبانی حزب کمونیست با حزب سکولار و قومگرای بعث، که از سال ۱۹۶۳ به قدرت رسید، مایه دشمنی آشکار حزب بعث با حزب کمونیست شد (بطاطو ۵۰-۲۹). در نتیجه، حزب بعث حاکم به سرکوب طرفداران حزب کمونیست دست یازید. در همین چارچوب، نازک دستگیر و زندانی می‌شود و کتاب‌ها و مجلاتی که پنهان کرده است سند اتهام تعلق خاطر او به کمونیسم می‌شود.

جاکلین مغیرب در رمان *بابا سارتر* از دیگر شخصیت‌های زن علی بدر است. او «پیوند استواری با کمونیست‌های سوری نداشت ولی خیلی با کمونیست‌های عراقی ابراز همبستگی می‌کرد. شاید چون آنها، وارونه همه کمونیست‌های عرب، گروه‌های شبه‌نظامی براندازی راه انداختند. جاکلین، با ایمان کامل به فرهنگ انقلابی، باور داشت که تغییر، بی‌پیکار مسلحانه، شدنی نیست» (بدر، ۲۰۰۹: ب: ۴۳).

زنان رمان‌های علی بدر به پویش در زمینه‌های اجتماعی و روزنامه‌نگاری، گزارشگری، نویسندگی می‌پردازند. کاترینا حسون گزارشگر عراقی روزنامه‌های آلمانی است، عایده شاهین گزارشگر لبنانی روزنامه‌های امریکایی، فرانسواز لونی روزنامه‌نگار فرانسوی - سوری و نانسی عوده روزنامه‌نگار امریکایی - فلسطینی (بدر، ۲۰۰۹: الف: ۲۶-۳۲). این زنان در کشورهای امریکایی و اروپایی کار می‌کنند. این پدیده در رمان‌های چهلتن به چشم نمی‌خورد. تنها زن شاغل رمان‌های چهلتن میهن در رمان *سپیده‌دم ایرانی* است که بازیگر تئاتر است. نوجوانی و جوانی میهن همزمان با سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ است که روند رو به افزایش کار زنان را در ایران نشان می‌دهد (اصلانی ۵۷)، وانگهی بازیگری برای زن در جامعه آن روزگار پذیرفته نبود و دلیل مخالفت پدر ایرج با ازدواج پسرش با میهن همین است (چهلتن، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

هر دو نویسنده، در رمان‌های خویش، دو دسته زن خانه‌دار و شاغل را به تصویر کشیده‌اند و زنانی که در زمینه‌های سیاسی - اجتماعی کنشگری دارند. شخصیت‌های زن رمان‌های چهلتن بیشتر به پویه‌های سیاسی به‌ویژه در روزگار مشروطه می‌پردازند و از طریق خواسته بنیادین مشروطه‌خواهان، یعنی قانون‌طلبی، در پی اصلاح اوضاع نابسامان آن روزگارند. در رمان‌های چهلتن، بحث مشروطه‌خواهی از جمع‌های خانوادگی گرفته تا مهمانی‌های زنانه و دورهمی‌های دوستانه جریان دارد. علی بدر به روشنی پویه‌های زنان و میزان و چگونگی آن را به تصویر نمی‌کشد و تنها اطلاعاتی کلی درباره اندیشه و گرایش سیاسی زنان می‌دهد. شمار زنان شاغل در آثار بدر بیش از چهلتن است. چرایی این ناهمسانی را باید در روزگاری جست که دو نویسنده در پی بازتاباندن و برساختن سرگذشت آن در داستان‌های خویش‌اند. چنان که رفت، رمان‌های چهلتن بازنمودی از تاریخ ایران در سال‌های ۱۹۰۱-۱۹۷۹ است و رمان‌های بدر

برساختی از جامعه عراق در ۱۹۲۰-۲۰۰۶م؛ دستمایه چهلتن در رمان *تالار آئینه* روزگار قاجار، در *سپیده دم ایرانی* رویدادهای سیاسی دهه ۱۳۲۰ و در *تهران شهر بی آسمان* ایران میان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است. دستمایه علی بدر نیز در *حارس التبغ* تاریخ معاصر عراق از کشتار فرهود در ۱۹۴۱ تا پس از اشغال عراق در ۲۰۰۳ است، در رمان *اساتذة الوهم* رویدادهای دهه ۱۹۸۰ عراق و در *بابا سارتر* تاریخ دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ این کشور. پس طبیعی است که زنان دانش‌آموخته و شاغل و کنشگر در رمان‌های علی بدر بیشتر باشند، به ویژه اگر سخن پژوهشگرانی را بپذیریم که باور دارند «در سال‌های اخیر در همه کشورهای اسلامی شرایط زنان رو به بهبود بوده» است (کولایی و حافظیان ز). گرچه، نه تنها در کشورهای اسلامی مانند ایران و عراق، که در سراسر جهان پا نهادن زنان به سپهر عمومی از نمودهای تجدد و پدیده‌ای نوظهور است و قاعده همه‌گیر در صحنه عمومی دوری و کناره‌گیری تاریخی زنان از این حوزه است (همان ۷۹).

۳. زنان باسواد و دانش‌آموخته

دانش‌آموزی ارزشی انسانی، کلان و یکسان برای مرد و زن است و انگشت نهادن بر نقش مادری زن نیز روا نمی‌دارد که زندگی و دانش زن به این قلمرو فروکاسته شود (فضل الله ۶۴-۶۵)؛ چه رسد به این که به هر بهانه راه دانش‌آموزی بسته شود. در رمان‌های چهلتن سوادآموزی و کوشش زنان برای آموختن مهارت‌های دانش‌بنیاد تصویر می‌شود و موانع این فرایند؛ در رمان‌های علی بدر اما شاهد حضور زنان در دانشگاه یا جایگاه‌هایی چون روزنامه‌نگاری و استادی، که برآمده از دانش‌آموختگی دانشگاهی است، هستیم. این ناهمسانی - چنان که گذشت - ریشه در تفاوت زمان تاریخی رویدادهای داستانی در رمان‌های دو نویسنده دارد.

دو رمان *تالار آئینه* و *سپیده دم ایرانی* از سوادآموزی زنان می‌گویند. میرزا در *تالار آئینه* نمونه مردان روشنفکر زمان خود است که دانش‌آموزی دخترانش را بایسته می‌شمرد. «حق تحصیل زنان و اجازه تأسیس مدارس نسوان اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در دوره مشروطه» شمرده می‌شد (زنجانی‌زاده و باغدار دلگشا، ۱۳۹۲: ۹۷). فخرالحاجیه، خواهر میرزا، با برادر همداستان نیست و آوردن معلم سرخانه را

نمی‌پسندد: «می‌دانست که میرزا برای دخترها معلم مرد آورده که فرانسه و هندسه درشان بدهد. اما خدا خواسته بود که نمی‌دانست که این معلم ارمنی است» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۶۲)، همچنان که به برادر خرده می‌گیرد که «می‌خواهی علامه دهرشان کنی! آن وقت به کدام مرد است که تمکین کنند؟» (همان ۲۳۰). در اینجا شخصیت فخرالحاجیه، که نماینده زن و فرهنگ سنتی روزگار قاجار است، در برابر آموزش زنان و روشنفکری می‌ایستد و آن فرهنگ را بر نمی‌تابد؛ چه، چندان با فرهنگ مردسالار همانند و هم‌هویت شده که نادانسته به خدمت آن کمر بسته که نه تنها در روزگار قاجار، که هنوز هم سنگی سترگ بر سر راه ارتقای زنان در کشورهای اسلامی است. همانندسازی با فرادست که از همانندسازی متجاوز^۱، یکی از سازوکارهای دفاعی درافکنده‌آنا فروید، برگرفته شده «یکی از برجسته‌ترین نموده‌های کوشش انسان سرکوب‌شده برای گریز از تنگنای وجودی و نبود احساس امنیت و خودکهنترینی است که، در نتیجه سرسپردگی به فرادست، گریبانش را گرفته. این سازوکار رهیافتی برای گریز از خود و همانند شدن با متجاوز و هم‌رنگ شدن با درازدستی و شیوه‌ها و ارزش‌های دلخواه اوست» (حجازی ۳).

در روزگار قاجار افزون بر آموزش در خانه با معلم سرخانه، که از شیوه‌های آموزش زنان بود (قاسمی پویا ۸۴)، راه دیگر آموزش زنان مکتب‌خانه بود. شاه‌زمان در جایی از رمان برای دخترانش از مکتب‌خانه می‌گوید: «ما چهار نفر بودیم، یک دختر آلمانی، دو تا ارمنی و من. دسته ما نمره اول را گرفت. خواهران "سن ونسان دو پل" به هر کدام از آنها یک صلیب نقره و به من یک انقیه‌دان جایزه دادند. سال بعد که از اندرون شاه به خواهرها لباس سفارش داده شد، دوختش را به ما واگذار کردند. حالا پارچه کم آمد و توی چه مکفاتی افتادیم، بماند! علاوه بر آن درس تاریخ و زبان و فرانسه هم می‌خواندیم» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۶۴).

میهن از شخصیت‌های زن رمان سپیده‌دم/ ایرانی است که از کودکی شیفته بازیگری و نمایش است: «کلاس‌ها ادامه یافت؛ بعضی نیمه راه ماندند، بعضی مثل او ادامه دادند؛ هنرستان هنرپیشگی تهران، کلاس فن بیان، کلاس... و بعد نوبت تمرینات پیس‌های

1. identification with the aggressor

تازه رسید. دیگر آرتیست معروفی بود» (چهلتن، ۱۳۸۴: ۸۲). میهن در روزگار پهلوی زندگی می‌کند که متمم قانون اساسی مشروطه راه زنان و دختران را به مدارس گشوده بود و به لحاظ قانونی معنی برای آموزش دختران و زنان وجود نداشت (اصلانی ۵۴).

در رمان‌های علی بدر هم بی‌پرده و درپرده از دانش‌آموزی سخن می‌رود. کارِ زنانی چون عایده شاهین، نانسی عوده و حضورشان در سپهر اجتماع به طور ضمنی نشان می‌دهد که دانش‌آموخته‌اند. از شخصیت‌هایی که دانشجویی‌شان هویدا به تصویر در می‌آید لایلا، خواهر منیر، در رمان *حارس التبغ* است. او، پس از مرگ منیر در جنگ ایران و عراق، همراه خانواده به روسیه، زادگاه مادرش، می‌کود و دکتری می‌خواند: «امسال دانشجوی دکتری دانشگاه پترزبورگ شده و پایان‌نامه‌اش دربارهٔ شاعران روسی است که ناشناخته در زندان‌ها یا اردوگاه‌های استالین مردند» (بدر، ۲۰۱۱: ۱۴).

فریده روبین، همسر نخست یوسف صالح، شخصیت دانش‌آموخته دیگری در رمان *حارس التبغ* است. آنها پس از کوچ اجباری یهودیان از عراق به اسرائیل می‌روند. یوسف زندگی در تل‌آویو را تاب نمی‌آورد و به مسکو می‌رود ولی فریده سال‌ها دور از همسر آنجا می‌ماند و درس می‌خواند: «پس از پایان مدرسه لورا حضوری در بغداد به دانشکدهٔ ادبیات عربی پیوست. چون می‌خواست نویسنده شود، پس از رفتن به اسرائیل به دانشگاه رفت، ادبیات عربی خواند و در دانشگاه قدس استاد شد» (بدر، ۲۰۰۹ الف: ۱۵۸).

از دیگر شخصیت‌های زن دانش‌آموخته و روشنفکر علی بدر، جاکلین مغیرب در *بابا سارتر* است. او انگلیسی و فرانسوی را خوب می‌داند و پروانه و کالت از دانشگاه سورین دارد. نانسی عوده هم زن دانش‌آموخته‌ای است که: «چون در نیویورک روزنامه‌نگاری خوانده و در رادیوی بوستن کار کرده است، میانه خوبی با مطبوعات دارد» (همان ۳۳). در عراق، زنان موفق را در چارچوب دسته‌هایی علمی به دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها در شرق و غرب می‌فرستادند و برخی ثروتمندان روشنفکر به آموزش دخترانشان در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا توجه می‌کردند (بطی ۱۸۷۵). زنان رمان‌های علی بدر در بنیادهای علمی و پژوهشی و رسانه‌ای حضور دارند.

۴. زنان قربانی

پیش از پرداختن به این مبحث، باید گفت که منظور از قربانی در این پژوهش «زندگی خود را قربانی کردن یا به عنوان قربانی زیستن» (وایگل ۱۴۵) نیست که گزاره‌ای در نقد فمینیستی درباره شخصیت زن در ادبیات به شمار می‌آید. مقصود از قربانی شدن هرگونه دست‌درازی و ستمی است که به خاطر وضعیت ناهموار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر شخصیت‌های زن رود. «زن گویاترین نمونه برای همه سویه‌ها، پویایی‌ها و سازوکارهای دفاعی سرکوب در جامعه توسعه‌نیافته است و در وجودش همه ناسازه‌های این جامعه هویدا می‌شوند» (حجازی ۱۹۹). به ویژه زنانی که همسران خود را به دلیل مرگ، طلاق و غیبت از دست داده‌اند، در جامعه با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند. در بیشتر جوامع، به ویژه جوامع مردسالار، روی هم‌رفته مردان سرپرست خانواده‌اند و نقش اقتصادی و حمایتی خانواده بر دوش آنان است. اما زنان بی‌سرپرست با نقشی در مجموع نامعمول به عنوان سرپرست خانواده باید وارد جامعه شوند و در محیط اقتصادی و اجتماعی حضور یابند. این گروه از زنان به دلیل داشتن اجبار در تأمین معاش خانواده باید در فضای عمومی کسب‌وکار قرار گیرند. بنابراین برای آنان امنیت اجتماعی مسأله‌ای حساس‌تر خواهد بود. حضور فعال در جامعه برای اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی با میزان احساس امنیت اجتماعی دارد (غلام نیارمی ۷۰). شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم، به‌ویژه در جوامع مردسالار، موجب می‌شود که بسیاری از افراد چنین زنانی را بی‌پشتوانه بدانند و اجازه هر نوع کنش و رفتار نامناسبی را به خود بدهند.

در رمان *سپیده‌دم ایرانی*، گریختن ایرج، شوهر میهن، به روسیه، این زن را به سختی فراوانی می‌افکند، چنان‌که پس از ۲۸ سال که شوهرش را می‌بیند می‌گوید: «یک‌شبه تبدیل شدم به زن آزادی که ناگهان دیگر سایه هیچ مردی بالای سرش نیست و همه مردهای شهر تصمیم گرفتند بلندش کنند. من فکر می‌کردم چاره‌ای ندارم جز این‌که به این خواسته عمومی تن بدهم، خواسته‌ای که یک شهر یک‌صدا آن را فریاد می‌کشید» (چهلتن، ۱۳۸۴: ۷۶). در جوامعی که اعتبار اجتماعی و امنیت زن در گرو مردان خانواده است زن در نبود شوهر همچون فرصت و بدن بی‌صاحبی جلوه می‌کند که بسیاری

مردان آهنگ تصاحب و کام‌جویی از آن را دارند. این مسئله در ابعاد متفاوتی نمود می‌یابد که از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب آغاز می‌شود و به موارد دیگری نظیر تقاضای صیغه شدن و تجاوز نیز می‌انجامد (معیدفر و حمیدی ۱۴۸).

نوسا در رمان *حارس التبغ* در مسافرخانهٔ ام‌طونی کار می‌کند. «خانوادهٔ بزرگ و فقیرش او را ناچار به ازدواج با عماد کردند. هنگامی که او را نامزد کرد رانده نبود، هر کاری انجام می‌داد، قاچاق... دزدی... دو ماه از ازدواجشان گذشته بود که یک روز آمد و گفت نمی‌تواند اجارهٔ خانه و هزینه‌های کودک را پردازد. به او گفت کار مناسبی برایت یافتم و گفت در روزهای آینده مهمان‌های مهمی به دیدار آنها می‌آیند و باید به خواسته‌هایشان تن دهد. این چنین نوسا صبح‌ها پول جعلی پخش می‌کرد و عصر روسپیگری. سپس دستگیر شد و برایش پنج سال زندان بریدند. در زندان با ام‌طونی آشنا شد. هنگامی که آزاد شد، او برایش کاری پیش خودش دست‌وپا کرد» (بدر، ۲۰۰۹ الف: ۲۶۷). وضعیت اقتصادی نامطلوب آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی به بار می‌آورد. نداری خانوادهٔ نوسا به شوهردادن اجباری به فردی می‌انجامد که کار و منش خوبی ندارد. مشکلات اقتصادی، به ویژه فقر، زمینه‌ساز پدیدهٔ روسپیگری زنان می‌شود (اقلیما ۳۴-۳۵).

در رمان *تالار آئینه*، مهرعظم و مادرش، ماه‌تابان، قربانیان نظام مردسالار می‌شوند. به باور پژوهشگران، زمینهٔ بنیادین مردسالاری در خانواده برداشتی است که زن را خوار، کوتاه‌بین، احساساتی، بی‌وفا و نادان می‌داند و مرد را در جایگاهی والا می‌نهد (کدیور ۳۰). میرزا مهرعظم یتیم را، به پیشنهاد پدربزرگش، به خانهٔ خویش می‌آورد تا به عنوان خواهر ماه‌رخسار سرپرستش شوند. خاطرات تلخ جدایی مهرعظم از مادر همواره در ذهنش هست و رنجی جاوید او و مادرش را می‌آزارد. «سید گفته بود: ماه‌تابان چقدر مرا نفرین کرده باشد خوب است؟ اما من کار خدایی کردم. مشهدی رجب بابای ماه‌تابان خودش به من گفت این یتیم را بپر خانۀ اربابت بلکه از گرسنگی نمیرد» (چهلتن، ۱۳۹۵: ۱۸۵). پدربزرگ مهرعظم از سر ناچاری و نداری، با نادیده گرفتن پیوند عاطفی مادر و فرزند، نوه‌اش را به خانهٔ میرزا می‌فرستد و لابه‌ها و زاری‌های دخترش، ماه‌تابان، برای دیدار دخترش راه به جایی نمی‌برد. مردسالاری از اشکال

ستم بر زنان از رهگذر فرادستی بی‌چون و چرای مردان و فرودستی زنان است (الحیدری ۳۰).

از دیگر انواع قربانی شدن می‌توان تجاوز جنسی را نام برد که زنان قربانیان اصلی آن هستند (رمضان نرگسی ۷۲). در رمان‌های علی بدر نیز زنانی را می‌بینیم که به گونه‌ای دیگر پایمال شده‌اند. منیر از دوستان پدر نادیه است که در شرکت او دفتری مخصوص دارد و نادیه و پدرش را در محل کار و رستوران و... همراهی می‌کند. منیر به نادیه دست‌درازی می‌کند و باعث می‌شود نادیه تا مدت‌ها گوشه‌نشین شود. «نادیه پس از آن روز به شرکت نرفت. دیگر تاب نگاه کردن به چهره منیر را نداشت. با بیزاری آشکار از او دوری می‌کرد. یک سال پس از این حادثه عجیب، تنها یک سال، منیر برای همیشه از بغداد رفت و در وجود نادیه چیزی گذاشت که هرگز فراموشش نشد» (بدر، ۲۰۰۹: ۲). نادیه قربانی جنایتی می‌شود که امکان بازگو کردن آن را در جامعه مردسالار عراق ندارد. تنها باید سکوت کند و با هراس و افسردگی سر کند. بزه‌دیدگان جرایم جنسی به دلایلی نظیر نقض حریم خصوصی فرد، ترس از افشای نام و هویت خود، ترس از بی‌آبرویی، ترس از سرزنش شدن، با سخن نگفتن از تجربه‌های خود و رویدادهای پس از آن در توطئه سکوت مشارکت می‌کنند (آذری ۳۱).

از دیگر شخصیت‌های زن قربانی در رمان‌های علی بدر دلال است، دختری از مادر لبنانی و پدر عراقی در رمان *بابا سارتر*. عایده، مادر دلال، همسرش را در بغداد رها می‌کند و با دخترش به زادگاهش، بیروت، می‌آید. «عایده زندگی در بیروت را تحمل نکرد و پس از یک سال همراه دوست قماربازش به امریکا رفت [...] و دخترش دلال را به آغوش قاچاقچی مشهور مواد مخدر که نام سامی الخوری بر خود گذاشته بود سپرد» (بدر، ۲۰۰۹: ۹۳). دلال از پانزده سالگی رقص کاباره شد. پس از دو سال، عکسش با مشهورترین قاچاقچی مواد مخدر در روزنامه چاپ شد. پس از دستگیری سامی و زندان دوساله‌اش، انتظار دلال برای بازگشت سامی بی نتیجه ماند و پس از چند ماه خبردار شد که سامی ازدواج کرده است (همان ۹۵-۹۶). دلال از سویی در زمان کودکی و آغاز نوجوانی قربانی خودخواهی‌های مادرش شد که او را رها کرد و به امریکا رفت و در زمان جوانی نیز قربانی عشق نافرجام سامی شد.

وضعیت ناهموار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان را قربانی می‌کند. نداری در رمان‌های علی بدر به ازدواج اجباری و روسپیگری می‌انجامد و در رمان‌های چهلتن به جدایی فرزند از مادر، تبعید مخالف سیاسی به جدایی زن و شوهر و آزار زن - و نیز مرد - منجر می‌شود. گاهی هم دختران آماج دست‌درازی می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نوع حضور زنان در بعد فردی و خانوادگی و همچنین اجتماعی برخاسته از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. تهدستی برخی را به خدمتکاری در خانه توانگران و برخی را به روسپیگری می‌کشاند. فقدان همسر مایه آزار زنان می‌شود. مشروطه‌خواهی در ایران باعث مشارکت بعضی زنان در مبارزات علنی و غیرعلنی می‌شود و سیطره حزب بعث در عراق کمونیست‌ها را با سختی روبه‌رو می‌کند. ارتباط یافتن با کشورهای غربی زنان را بیش از پیش به سپهر اجتماع می‌آورد و زمینه دانش‌آموزی و کار بیرون از خانه را برای آنان فراهم می‌کند. اینها همه در رمان‌های نویسندگان دو کشور بازتاب می‌یابد.

اما همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها در رمان‌های دو نویسنده مورد بررسی بدین قرار است: همسانی خدمتکاران در حقوق و تکالیف، در تفاوت طبقاتی و ناهمسانی آنها در نوع ارتباط عاطفی و جسمی میان خدمتکاران و اربابان است. کنشگری سیاسی زنان چهلتن بیشتر و چشمگیرتر و با ریزه‌کاری‌های افزون‌تر است اما علی بدر به پویه‌های اجتماعی زنان، مانند شاغل بودن، بیشتر پرداخته است. آموزش و تحصیل زنان در رمان‌های بدر بسامد بیشتری دارد که گاه روشن و بی‌پرده است و گاهی در پرده و نیازمند استنباط است. خودسرپرست بودن زنان در آثار هر دو نویسنده با سختی‌ها و گرفتاری‌هایی همراه بوده است که چشمگیرترین هزینه‌های زندگی است که زنان از راه‌های درست یا نادرست به تأمین آن می‌پردازند. قربانی شدن زنان نزد هر دو نویسنده از جوانب روحی و عاطفی است اما نوع آسیب‌های عاطفی متفاوت است. چهلتن از قربانی شدن زنان در جامعه مردسالار و پایین بودن توان اقتصادی که مایه جدایی مادر و فرزند می‌شود

می‌نویسد اما بدر از قربانیان جنسی و شکست عشقی. می‌توان گفت همسانی‌های وضعیت زنان در رمان‌های دو نویسنده برخاسته از بستر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نزدیک دو کشور و ناهمسانی‌ها به دیدگاه متفاوت نویسندگان و سبک نویسندگی آنان برمی‌گردد.

منابع

آذری، هاجر. «حمایت کیفری از زنان بزه‌دیده جرم جنسی با تأکید بر حریم خصوصی آنان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

ابوزید، نصر حامد. *دوائر الخوف*. ط ۲. الدار البيضاء و بیروت: المركز الثقافي العربي، ۲۰۰۰. ادونیس. *موسیقی الحوت الازرق*. بیروت: دار الآداب، ۲۰۰۲.

اصلانی، ربابه. «بررسی تطبیقی نظام مردسالاری یا پدرسالاری در خانواده در روزگار پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد خلیخال، ۱۳۹۲.

اقلیما، مصطفی (مصاحبه‌شونده). «علل تن‌فروشی در گفت‌وگو با مصطفی اقلیما». *بهداشت و روان جامعه*. ۴/۴۸ (اسفند ۱۳۸۸): ۳۴-۳۵.

انوری، حسن. *فرهنگ فشرده سخن*. ج ۴. ج ۱. تهران: سخن، ۱۳۸۸. باختین، میخائیل. *شعریه دست‌نویسکی*. الدار البيضاء: دار توبقال للنشر، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة، ۱۹۸۶.

بدر، علی. *أساتذة الوهم*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۲۰۱۱.

_____ . *حارس التبغ*. ط ۲. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۲۰۰۹.

_____ . *بابا سارتر*. ط ۳. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ۲۰۰۹.

برکات، حلیم. *المجتمع العربي المعاصر: بحث فی تغییر الأحوال والعلاقات*. ط ۲. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۰۹.

برونوف، رولان. *جهان رمان*. ترجمه نازیلا خلخالی. تهران: مرکز، ۱۳۷۸.

- بطاطو، حنا. *الشیوعیون و البعثیون و الضباط الأحرار*. ترجمه: عقیف الرزاز. ط ۲. بیروت: مؤسسه الأبحاث العربیة، ۱۹۹۹.
- بطی، رفائیل. *الأدب العصری فی العراق العربی*. مصر: مطبعة سلفی، ۱۹۲۳.
- بیطار، یعقوب و عید محمود. *الادب المقارن*. اللاذقیه: منشوات جامعه تشرين، ۲۰۰۹.
- جیرمونسکی، فیکتور. *علم الادب المقارن شرق غرب*. ترجمه: غسان مرتضی. حمص: منشورات جامعه البعث، ۲۰۰۴.
- جهلتن، امیر حسن. *تالار آینه*. ج ۵. تهران: نگاه، ۱۳۹۵.
- _____ . *تهران شهر بی آسمان*، تهران: نگاه، ۱۳۸۰.
- _____ . *سپیده دم ایرانی*. تهران: نگاه، ۱۳۹۷.
- حجازی، مصطفی. *التخلف الاجتماعی*. ط ۵. الدار البيضاء و بیروت: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۵.
- حمیدی، سید جعفر و مریم عاملی رضایی. «تحوّل جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه». تاریخ ادبیات، ۵۹/۳ (دوره جدید ۱/۱) (زمستان ۱۳۷۸): ۴۶-۶۰.
- الحیدری، ابراهیم. *النظام الأبوی و إشکالیه الجنس عند العرب*. بیروت: دارالساقی، ۲۰۰۳.
- دلریش، بشری. *زن در دوره قاجار*. ج ۲. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۶.
- دوبوار، سیمون. *جنس دوم*. ترجمه قاسم صنعوی. ج ۸ ج ۲. تهران: توس، ۱۳۸۸.
- رسول اف، رامین. «روح القدس انتقادی ترین روزنامه دوره مشروطه در ایران». *گنجینه اسناد*. ۳/۲۳ (پاییز ۱۳۷۰): ۸۸-۹۲.
- رمضان نرگسی، رضا. «تجاوز و بزه دیدگی زنان». ۲۳/۶ (بهار ۱۳۸۳): ۶۸-۱۰۴.
- زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری. *جنش زنان در ایران*. شیراز: ملک سلیمان، ۱۳۸۴.
- زنجانی زاده، هما و علی باغدار دلگشا. «سیر شکل گیری مدارس زنان در دوره مشروطه». *جامعه شناسی آموزش و پرورش*. ۵/۵ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲): ۹۱-۱۱۰.
- زنجانی زاده، هما و علی باغدار دلگشا. «بررسی جامعه شناختی روزنامه نگاری زنان در عصر مشروطه». *مسائل اجتماعی ایران*. ۱/۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۶۱-۷۹.
- السعداوی، نوال. *المرأه والجنس*. ط ۴. الاسکندریه والفجالة: دار و مطابع المستقبل، ۱۹۹۰.
- السید، غسان. *الحریه الوجودیه بین الفكر والواقع*. ط ۲. دمشق: دار الرحاب، ۲۰۰۱.

صدری افشار، غلامحسین و نسرتن حکمی. فرهنگ معاصر فارسی یک جلدی. چ ۷. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۳.

الطائی، مؤید شاکر کاظم. الحزب الشیوعی العراقی ۱۹۳۵-۱۹۴۹. دمشق: تموز للطباعه و النشر، ۲۰۱۳.

عبدالجلیل، ج. م. تاریخ ادبیات عرب. ترجمه آذرتاش آذرنوش. چ ۳. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶. العزاوی، سامی مهدی. المرآة العراقیه بین المشارکه السیاسیه والاغتراب السیاسی. دمشق: مرکز ابیاحات الطفوله و الامومه، ۲۰۱۱.

علی، جواد. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. ط ۲. المجلد الخامس. بغداد: نشر جامعه بغداد، ۱۹۹۳.

عیال، حسین. خطاب التجریب و الروایة روایه العراقی نموذجاً. دمشق: أمل الجدیده، ۲۰۱۶. عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. چ ۳۱. ج ۲. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱. غلام نیارمی، آتنا. «ارزیابی جامعه‌شناختی ابعاد چهارگانه امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار». پژوهشنامه زنان (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). ۳/۸ (پاییز ۱۳۹۶): ۸۶-۶۹.

فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه. تهران: امیرکبیر، چ ۵، ۱۳۷۶. فضل‌الله، محمد حسین. دنیا المرأة. ط ۴. بیروت: دار الملائک، ۱۹۹۸. قاسمی پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.

کدیور، جمیله زن. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵. کشاورز، کریم. هزار سال نشر پارسی. کتاب سوم. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸. کوک، مریم. «الکتابت العربیات». تاریخ کیمبردج للادب العربی: الادب العربی الحدیث. جده: نادى جده الادبی، ۲۰۰۲. صص ۶۲۷-۶۵۴.

کولایی، الهه و محمدحسین حافظیان. نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

مستور، مصطفی. مبانی داستان کوتاه. تهران: مرکز، ۱۳۷۹. معیدفر، سعید و نفیسه حمیدی. «زنان سرپرست خانوار: نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. ۳۲/۱۵ (زمستان ۱۳۸۶): ۱۳۱-۱۵۸.

ملایری، یدالله. *الجیران فی شرق المتوسط*. بیروت: دار الطلیعه، ۲۰۱۶.
 منیف، عبدالرحمن. *بین الثقافه والسیاسه*. ط ۳. بیروت: المؤسسه العربیه للدراسات والنشر،
 ۲۰۰۳.

وایگل، زیگرید. «قهرمان قربانی شده و قربانی قهرمان». ترجمه مرسده صالح پور. *زن و ادبیات*.
 گزینش و ترجمه منیژه نجم عراقی، مرسده صالح پور، نسترن موسوی. ج ۳. تهران: چشمه،
 ۱۳۸۹. صص. ۱۳۹-۱۶۳.

ویلیک، رینیہ. *مفاهیم نقادیہ*. ترجمه: محمد عصفور. الكويت: المجلس الوطنی للثقافه والفنون
 والاداب، سلسله عالم المعرفه، ۱۹۸۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی